



اسخ دادند

دند

سیاستگذاری اقتصادی است. اصلاح ساختار اقتصاد از قیمت ها، تسویه مطالبات صنعت برق، ایجاد ثبات میل فرآیندهای تجاری، توسعه صادرات و تقویت حضور ز جمله راهکارهایی است که فعالان اقتصادی بر آن تاکید مند دولت باید با فاصله گرفتن از تصدی گری مستقیم، از تنظیم گر و تسهیلگر با تقویت کند تا صنعت و معدن به مسیر رشد و توسعه بازگردند.



ش تنش و رفع موانع

مواجه کرده است. در کنار مشکلات بیرونی، بخش تولید با مجموعه‌ای از موانع داخلی نیز دست‌وپنجه نرم می کند. مقررات پیچیده و تغییرات مکرر در قوانین و وزارت صمت و بانک مرکزی، سرعت فعالیت اقتصادی را کاهش داده است. برای نمونه، یک واحد تولیدی ممکن است برای واردات یک ماده اولیه مورد نیاز، پس از طی مراحل مختلف در گمرک با تغییر ناگهانی مقررات و الزامات جدید مواجه شود؛ موضوعی که هزینه و زمان تولید را افزایش می دهد. امروز صنعت بیش از هر چیز به شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارد. دولت باید با فعالان اقتصادی درباره مسیر پیش‌رو؛ محدودیت‌ها و سیاست‌های آینده گفت‌وگوی روشن داشته باشد. بخش خصوصی با وجود تمام فشارها همچنان در حال فعالیت است، اما ادامه این روند بدون کاهش موانع و اصلاح سیاست‌ها، توان تولیدکنندگان را بیش از پیش محدود خواهد کرد. رونق صنعت نیازمند تصمیماتی است که سرعت اقتصاد کشور را افزایش دهد، نه اینکه آن را کندتر کند.

برطرونق صنعت

دادوبرخی بنگاه‌ها را با مشکلات جدی مواجه کرد. با این حال، بخش تولید در شرایط بحرانی نیز نقش خود را به‌درستی ایفا کرد. به‌ویژه صنایع غذایی در دوران جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، با تداوم فعالیت شبانه‌روزی توانستند نیاز بازار را تأمین کنند؛ اجازه ندهند کمبود کالا در فروشگاه‌ها ایجاد شود. همچنین تجربه تصمیمات اتخاذشده در ستاد هماهنگی اقتصادی در زمینه ترخیص کالا از گمرک‌ها نشان داد که هر زمان موانع از مسیر تجارت برداشته شود، امکان مدیریت شرایط دشوار حتی در فضای تحریم نیز وجود دارد. امروز ضروری است دولت مسیر اصلاح قوانین و تسهیل تجارت را ادامه دهد. بخشی از تصمیماتی که در شرایط خاص اتخاذ شد و توانست موانع تولید و صادرات را کاهش دهد، باید در قالب قوانین و آیین‌نامه‌های پایدار دنبال شود. در شرایط فعلی، توسعه صادرات بیش از گذشته اهمیت دارد. افزایش صادرات، علاوه بر ایجاد ارزآوری، به تأمین مواد اولیه و حفظ چرخه تولید کمک می کند. حمایت از صادرکنندگان و کاهش موانع تجاری، یکی از الزامات عبور صنعت از شرایط فعلی است.

تقاضا برای طلا همراه شده است. به همین دلیل، هرگونه تغییر در فضای سیاسی و امنیتی، می تواند دوباره موجی از نوسان را به بازار طلا بازگرداند. طلا به عنوان یک دارایی پولی، علاوه بر صنعت طلا و جواهر، بر بسیاری از بخش های اقتصادی و روابط تجاری کشورها نیز اثرگذار است.

سه اولویت فوری

موضوع، اصلاح و تسهیل سیاست های گمرکی است. اختلال در زنجیره تأمین، محدودیت در ورود مواد اولیه، قطعات و تجهیزات و تغییرات مکرر در مقررات تجاری، فشار زیادی بر واحدهای تولیدی وارد کرده است. بازنگری در تعرفه‌ها، مقررات واردات و صادرات و تسهیل فرآیندهای گمرکی می تواند به بازگشت جریان تولید کمک کند. موضوع سوم، مساله انرژی است. بسیاری از واحدهای صنعتی در شرایطی که با مشکلات ناشی از تأمین مواد اولیه و قطعات مواجه اند، همچنان به دلیل محدودیت برق و انرژی با توقف یا کاهش تولید روبه‌رو هستند. تأمین پایدار انرژی، به‌ویژه در فصل تابستان، یکی از اقداماتی است که می تواند در کوتاه‌مدت از آسیب بیشتر به تولید جلوگیری کند. در کنار این اقدامات فوری، اصلاحات عمیق تری مانند بازنگری در برخی قوانین و ساختارهای اقتصادی نیز باید در دستور کار قرار گیرد. اما در شرایط فعلی، اولویت باید بر اقداماتی باشد که بدون نیاز به تغییرات گسترده قانونی، امکان اجرا دارند و می توانند سریع تر اثر خود را بر فعالیت بنگاه‌ها نشان دهند.



دکتر. فرشاد فاطمی
اقتصاددان

برای احیای صنعت کشور باید میان اقدامات اساسی و اقداماتی که در کوتاه‌مدت امکان اجرا و اثرگذاری دارند، تفاوت قائل شد. برخی اصلاحات ساختاری، اگرچه برای آینده صنعت ضروری هستند، اما به دلیل نیاز به تغییر قوانین و طی فرآیندهای طولانی، در شرایط فعلی نمی توانند پاسخگوی مشکلات فوری بنگاه‌ها باشند. با توجه به شرایطی که اقتصاد کشور در ماه‌های گذشته تجربه کرده، به‌ویژه افزایش نااطمینانی‌ها و پیامدهای ناشی از شرایط جنگی، مهم ترین اقدامات فوری را باید در سه حوزه دنبال کرد. نخست، کاهش تنش های ارزی و تعیین تکلیف سیاست ارزی است. بی ثباتی در بازار ارز و نبود چشم‌انداز روشن، امکان برنامه‌ریزی را از بنگاه‌ها گرفته و هزینه تأمین مواد اولیه و تجهیزات را افزایش داده است. دومین

توسعه پایدار با عبور از الگوهای سنتی

از الگوهای اقتصادی و دست‌یابی به توسعه پایدار، مستلزم عبور از الگوهای سنتی و حرکت به سمت ارتقای فناوری، اصلاح ساختارهای مدیریتی و بازمهندسی فرآیندهاست.

در این مسیر، زنجیره تحول صنعتی زمانی کامل می شود که اقداماتی نظیر احیای واحدهای راکن، با بهینه‌سازی مصرف انرژی و همگام شود. ناترازی انرژی یکی از چالش‌های جدی پیش روی صنعت ماست و مدیریت آن، نه یک انتخاب، بلکه شرط بقای واحدهای تولیدی در چرخه رقابت‌پذیری است. وظیفه حاکمیت در این برهه، هموارسازی مسیر برای بخش خصوصی، کاهش هزینه‌های پنهان تولید و تسهیل گری در جهت خلق مزیت‌های رقابتی جدید است. با تکیه بر هم‌افزایی میان دولت، نخبگان، بخش خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان، می‌توانیم الگوی کارآمدی را توسعه صنعتی را محقق سازیم. آینده آن صناعی است که خود را برای این تغییرات بزرگ آماده می کنند.



فرشاد مقیمی

معاون وزیر صمت و رئیس هیات عامل ایدرو

روز ملی صنعت و معدن، فرصتی برای بازخوانی کارنامه گذشته و ترسیم نقشه راه آینده در مسیر پیش‌ران اصلی اقتصاد کشور است. امروز در شرایطی این مناسبیت را گرامی داریم که اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند «تاب‌آوری»، «چش» و «هم‌افزایی» همه‌جانبه است. نگاهی به پیشینه تاریخی و تجربیات گران‌بهای کشور نشان می دهد که ما در سال‌های پس از جنگ، دوران سختی از بازسازی زیرساخت‌ها را پشت سر گذاشتیم؛ دورانی که اولویت نخست آن، احیا و متولّد ساختن ظرفیت‌های بنیادین تولید بود. اما امروز در فضای کنونی و در دنیای رقابت‌های نوین، مأموریت ما از «بازسازی صرف» به «بهره‌سازی و بهسازی هوشمندانه» تغییر یافته است. عبور

ضرورت تغییر نگاه به تولید

صنایع کشور باید با نگاهی تازه، جایگاه خود را در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و بین‌المللی تعریف کنند و به جای تمرکز بر تولید محصولات پایه، حرکت به سمت محصولات نهایی و دارای ارزش افزوده بیشتر را در دستور کار قرار دهند. خاورمیانه نیز به عنوان یک بازار منطقه‌ای، ظرفیت مهمی برای حضور رقابتی صنایع ایرانی دارد؛ مشروط بر اینکه تولیدکنندگان بتوانند کیفیت، بهره‌وری و توان رقابت خود را ارتقا دهند. آینده صنعت کشور از مسیر افزایش بهره‌وری، توسعه صادرات و حضور موثرتر در زنجیره‌های ارزش عبور می کند.



علیرضا کلاهی صمدی

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران

توسعه صنعتی کشور بیش از هر زمان دیگری نیازمند تغییر نگرش در سیاست‌گذاری و حرکت به سمت بهره‌وری، رقابت‌پذیری و صادرات محوری است. در شرایطی که بازارهای جهانی به سرعت در حال تغییر هستند، نمی توان صرفاً با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و روش‌های سنتی، مسیر رشد صنعتی را دنبال کرد.

رشد معدن مستلزم جذب سرمایه است

از سوی دیگر، ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل، دشواری تأمین مالی، طولانی بودن فرآیندهای صدور مجوز، کاهش سرمایه‌گذاری در اکتشاف، فاصله گرفتن از فناوری‌های نوین و محدودیت دسترسی به دانش و تجهیزات روز دنیا، از دیگر چالش‌هایی هستند که فعالان این حوزه همواره بر آن تاکید دارند. این مسائل نه تنها سرعت توسعه معادن را کاهش داده، بلکه رقابت‌پذیری این بخش را نیز تحت تأثیر قرار داده است. برای احیای بخش معدن، بیش از هر چیز باید اعتماد سرمایه‌گذاران را بازسازی شود. ایجاد ثبات در قوانین و مقررات، تسهیل فرآیندهای اداری، تأمین مالی مناسب، حمایت از نوسازی ماشین‌آلات، رفع موانع تولید، توسعه زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری در اکتشاف و فناوری‌های نوین، مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند این صنعت را به جایگاه واقعی خود بازگرداند. ایران از نظر ذخایر معدنی جزو کشورهای برخوردار جهان است. اگر سیاست‌گذاری‌ها بر پایه ثبات حمایت از سرمایه‌گذاری و نگاه بلندمدت شکل گیرد، بخش معدن می‌تواند به یکی از مهم‌ترین پیش‌ران‌های رشد اقتصادی، اشتغال، توسعه صادرات غیرنفتی و خلق ارزش افزوده برای کشور تبدیل شود.



فریاد مستوفی

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران

الزامات عبور معدن از زنجیره چالش‌ها

سخت نیز اهمیت مشابهی دارد؛ چرا که بخش عمده ماشین‌آلات معدنی و حتی تجهیزات تولید برق اضطراری، به گاروایی وابسته هستند.

از سوی دیگر، شرایط بازار داخلی و صادراتی نیز بر فعالیت معدن و صنایع معدنی اثر گذاشته است. محدودیت‌های حمل‌ونقل دریایی و دشواری صادرات، بازارهای خارجی را محدود کرده و کاهش تولید در صنایع پایین دست مانند فولاد نیز باعث شده تقاضا برای سنگ آهن، کنسانتره و گندله کاهش یابد.

با این حال، کاهش تقاضا در شرایط فعلی نباید این تصور را ایجاد کند که مشکلات بخش معدن برطرف شده است. این شرایط تنها بخشی از فشارهای موجود را پنهان کرده است. با بازگشت شرایط عادی و افزایش دوباره تقاضا، آثار کمبود سرمایه‌گذاری و آسیب به حلقه‌های بالادست بیشتر نمایان خواهد شد. از امروز باید برای آینده برنامه‌ریزی کرد؛ اصلاح بخشنامه‌ها، بازنگری در سیاست‌های قیمت‌گذاری، حل پایدار مساله مواد نایز و فراهم کردن امکان ورود بخش خصوصی به حوزه تولید و واردات نهاده‌ها، اقداماتی است که باید پیش از بازگشت رونق بازار انجام شود تا زنجیره معدن و صنایع معدنی با چالش‌های گذشته مواجه نشود.



مهداد اکبریان

نایب رئیس کمیسیون معدن اتاق بازرگانی ایران

بخش معدن به دلیل جایگاه خود در حلقه بالادست زنجیره‌های تولید، بیش از بسیاری از بخش‌ها از اختلالات اقتصادی و زیرساختی تأثیر می‌پذیرد. زمانی که زنجیره‌هایی مانند فولاد یا مس با مشکل مواجه می‌شوند، آثار آن به سرعت به معادن منتقل می‌شود؛ چرا که ادامه فعالیت حلقه‌های پایین دست، به تأمین پایدار مواد معدنی وابسته است. در سال‌های اخیر، ناترازی انرژی به یکی از چالش‌های جدی بخش معدن تبدیل شده است. محدودیت در تأمین گاز و برق، اگرچه به مدیریت برخی شرکت‌ها تا حدی کنترل شد، اما فشار قابل توجهی بر تولید وارد کرد. در ادامه، شرایط ناشی از جنگ و محدودیت‌های جدید، مشکلات دیگری را به این بخش تحمیل کرد و دسترسی به برخی نهاده‌های حیاتی را دشوارتر ساخت. مواد نایز به یکی از این نهاده‌های کلیدی است. در معدن، حتی اگر ماشین‌آلات و زیرساخت‌های لازم وجود داشته باشد، بدون مواد نایز به امکان استخراج وجود ندارد و فعالیت معدن عملاً متوقف می‌شود. موضوع

احیای موتور رشد

رقابت نیست. دومین اقدام، بازگرداندن ثبات به محیط کسب و کار و پایان دادن به تصمیمات ناگهانی و پخش‌نامه‌های متغیر است. سرمایه‌گذاری در فضایی شکل می‌گیرد که آینده آن قابل پیش‌بینی باشد.

در گام بعد، باید تجارت خارجی را به عنوان شریک تولید به رسمیت شناخت. صنعت بدون دسترسی به مواد اولیه، فناوری، تجهیزات، خدمات بانکی و بازارهای صادراتی قادر به رشد نخواهد بود. هم‌زمان لازم است منابع بانکی به جای فعالیت‌های غیرمولد، به سمت تأمین مالی زنجیره تولید هدایت شوند. در بخش معدن نیز توسعه اکتشافات، نوسازی ماشین‌آلات و تکمیل زنجیره‌های فرآوری باید در اولویت قرار گیرد. حقیقت این است که احیای صنعت و معدن بیش از آنکه به منابع جدید نیاز داشته باشد، به ثبات، اعتماد، سرمایه‌گذاری و تصمیمات درست نیاز دارد. اگر این چهار مؤلفه فراهم شود، صنعت و معدن می‌تواند بار دیگر به موتور رشد اقتصاد ایران تبدیل شود.



حسین سلاخورری
رئیس پیشین اتاق بازرگانی ایران

اگر بخواهیم واقع بین باشیم، مهم‌ترین مشکل صنعت و معدن ایران امروز نه کمبود منابع طبیعی است و نه کمبود بازار؛ بلکه ضعف حکمرانی اقتصادی و انباشت تصمیمات نادرست است. ایران همچنان از بزرگ‌ترین ذخایر معدنی جهان، ظرفیت عظیم صنعتی، موقعیت ممتاز جغرافیایی و نیروی انسانی توانمند برخوردار است. اما این مزیت‌ها به دلیل ناترازی انرژی، بی‌ثباتی مقررات، محدودیت‌های تجاری و کمبود سرمایه‌گذاری به ثروت و رشد اقتصادی تبدیل نشده‌اند.

نخستین اقدام ضروری، تأمین پایدار برق و گاز برای واحدهای تولیدی است. هیچ صنعتی با خاموشی و توقف تولید قادر به

چارچوب اصلاح حکمرانی اقتصادی

بنگاه‌ها گره بخورد. معیارهایی مانند افزایش صادرات، ارتقای فناوری، رشد بهره‌وری و تکمیل زنجیره ارزش باید مبنای تخصیص حمایت‌ها قرار گیرد تا منابع به سمت بنگاه‌های توانمند هدایت شود. توسعه صنعتی بدون سیاست صنعتی هدفمند نیز امکان‌پذیر نیست. کشور نیازمند سازشایی صنایع پیش‌ران با ظرفیت صادراتی، اشتغال‌زایی و ایجاد ارزش افزوده و سپس هماهنگ‌سازی سیاست‌های ارزی، مالیاتی، تجاری، اعتباری و تحقیق و توسعه در حمایت از این بخش‌هاست. این سیاست‌ها باید به صورت مستمر ارزیابی شوند تا مشخص شود حمایت‌ها تا چه اندازه به افزایش تولید، صادرات و فناوری منجر شده‌اند. نکته مهم دیگر، ضرورت تغییر جایگاه بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. بخش خصوصی نباید تنها در یافت‌کننده سیاست‌ها باشد، بلکه باید در طراحی و اجرای سیاست‌های صنعتی نقش راهبردی داشته باشد. مشارکت بنگاه‌های پیشرو و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی می‌تواند از تصمیمات غیرکارآمد و مقررات دست‌وپاگیر جلوگیری کند. احیای صنعت و معدن این بیش از آنکه به منابع جدید نیاز داشته باشد، به اصلاح حکمرانی اقتصادی نیاز دارد؛ اصلاحی که بر ثبات سیاست‌ها، کاهش هزینه‌های مبادله، حمایت هدفمند از تولید، مشارکت واقعی بخش خصوصی و تعامل سازنده با اقتصاد جهانی استوار باشد. در کنار اصلاحات داخلی، کاهش موانع خارجی و رفع محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها نیز برای دسترسی به فناوری، سرمایه و بازارهای جهانی ضروری است.



علیرضا گرشاشی

مدیرکل دفتر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی وزارت صمت

مهم‌ترین اقدام برای احیای نقش صنعت و معدن در اقتصاد ایران، بازطراحی معماری نهادی حاکم بر فضای کسب و کار است. تجربه چند دهه گذشته نشان داده که سیاست‌های حمایتی موقت مانند تخصیص ارز، ارز ترجیحی، معافیت‌های مالیاتی یا تسهیلات ارزان قیمت، بدون اصلاح ساختارهای نهادی، نه تنها به رشد پایدار منجر نشده‌اند، بلکه در برخی موارد زمینه‌ساز نا کارآمدی و تخصیص نامناسب منابع شده‌اند. مساله اصلی صنعت ایران، بیش از کمبود منابع، به‌هزینه‌های بالای فعالیت اقتصادی و نبود پیش‌بینی‌پذیری در محیط کسب و کار بازمی‌گردد. تغییرات مکرر سیاست‌های ارزی، نوسان قیمت حامل‌های انرژی، بی‌ثباتی مقررات و افزایش عدم قطعیت، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را از بنگاه‌ها گرفته و سرمایه را به سمت فعالیت‌های کوتاه‌مدت و غیرمولد سوق داده است. احیای صنعت نیازمند گذار از سیاست‌گذاری واکنشی به سیاست‌گذاری پایدار و قابل پیش‌بینی است.

در کنار ثبات اقتصادی، باید الگوی حمایت از صنعت نیز تغییر کند. حمایت‌های گذشته عمدتاً مبتنی بر نهاده‌هایی مانند ارز ارزان، انرژی یا رانه‌ای و معافیت‌های عمومی بوده است، در حالی که تجربه کشورهای موفق صنعتی نشان می‌دهد حمایت باید به عملکرد

صنعت در تنگنای تأمین مالی

وارد شد. گزارش شاخص در چهار ماه گذشته نیز نشان می‌دهد رکود صنعتی همچنان ادامه دارد و تداوم این وضعیت، آسیب‌های بیشتری به واحدهای تولیدی وارد می‌کند. برای بازگشت صنایع به چرخه تولید، بسته‌های حمایتی دولت باید متناسب با شرایط امروز بازار طراحی شود. این حمایت‌ها باید شامل تعدیل در وصول مالیات، همراهی سازمان‌های بیمه‌ای و تقصیط بلندمدت بدهی‌های کارفرمایان باشد. همچنین تأمین سرمایه در گردش باید متناسب با شرایط تورمی و تغییرات نرخ ارز انجام شود؛ چرا که نیاز بنگاه‌ها به نقدینگی نسبت به گذشته چند برابر شده است. در کنار این اقدامات، باید مسیر واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات مورد نیاز تولید نیز تسهیل شود تا واحدهای صنعتی بتوانند با موانع کمتری به فعالیت خود ادامه دهند. با نگاه گذشته نمی‌توان مسائل امروز صنعت را حل کرد و سیاست‌های حمایتی باید متناسب با واقعیت‌ها و با اقتصاد کشور تنظیم شود.



محمد خاکی

رئیس اتاق بازرگانی استان لرستان

وضعیت امروز صنعت ایران را نمی‌توان بدون مرور چالش‌های چند سال گذشته تحلیل کرد. بخش صنعت حتی پیش از وقوع جنگ نیز با مجموعه‌ای از مشکلات ساختاری مانند ناترازی‌های بانکی، کمبود انرژی و دشواری تأمین مالی مواجه بود؛ مسائلی که به تدریج توان فعالیت واحدهای صنعتی، از بنگاه‌های کوچک و متوسط تا واحدهای بزرگ را کاهش داد. وقوع جنگ‌های ۱۲ روزه و ۴۰ روزه نیز این شرایط را تشدید کرد و در کنار مشکلات صادرات، محدودیت‌های تأمین مواد اولیه، کاهش دسترسی به سرمایه در گردش و اجرا نشدن کامل بسته‌های حمایتی دولت، فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان

زمینه بازگشت بنگاه‌ها به مسیر تولید

اشتغال و صادرات اثر منفی بگذارد. برای حفظ ظرفیت‌های موجود، دولت باید مجموعه‌ای از حمایت‌های عملی را در دستور کار قرار دهد. اصلاح سیاست‌های مالیاتی و تأمین اجتماعی، توجه به شرایط تورمی، تسهیل نوسازی صنایع و فراهم کردن امکان تأمین سرمایه در گردش، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به ادامه فعالیت واحدهای تولیدی کمک کند. امروز افزایش نرخ ارز، نیاز بنگاه‌ها به سرمایه در گردش را چند برابر کرده و بسیاری از واحدهای تولیدی را با محدودیت نقدینگی مواجه هستند. از سوی دیگر، توقف یا کاهش صادرات در ماهی اخیر، به دلیل مشکلات حمل‌ونقل و محدودیت‌های تجاری، باعث شده بخشی از بازارهای صادراتی در اختیار رقبا قرار گیرد. حفظ تولید و اشتغال در این شرایط نیازمند همکاری دولت و بخش خصوصی است. با استفاده از ظرفیت‌های موجود و تسهیل مسیر تجارت، می‌توان از آسیب بیشتر به صنعت جلوگیری کرد و زمینه بازگشت بنگاه‌ها به مسیر تولید و صادرات را فراهم آورد.



خوش‌شید کوردرازی

رئیس اتاق بازرگانی بوشهر

استان بوشهر به عنوان یکی از قطب‌های مهم صنعت نفت، گاز و پتروشیمی کشور، ظرفیت قابل توجهی در تولید و صادرات دارد، اما طی سال‌های اخیر مجموعه‌ای از محدودیت‌ها، فعالیت صنایع این استان و کشور را با چالش مواجه کرده است. تحریم‌ها، دشواری تأمین مواد اولیه، محدودیت‌های نوسازی تجهیزات و مشکلات حمل‌ونقل از جمله موانعی هستند که توان تولید و صادرات بنگاه‌ها را کاهش داده‌اند. در شرایط فعلی، قطعی برق، محدودیت‌های انرژی و مشکلات ناشی از شرایط اضطراری کشور نیز فشار بیشتری بر صنایع وارد کرده است. صنایع پتروشیمی جنوب استان نیز در این مدت با آسیب‌هایی مواجه شده‌اند و تداوم این وضعیت می‌تواند بر تولید،

سرمایه‌گذاری صنعتی در انتظار ثبات

در حوزه‌هایی مانند تأمین انرژی، تخصیص ارز، انتقال مواد اولیه و نوسانات شدید نرخ ارز، فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کرده است. سرمایه‌گذاری صنعتی بیش از هر چیز به پیش‌بینی‌پذیری آینده نیاز دارد. فعال اقتصادی باید بتواند تصویری روشن از شرایط سال‌های پیش رو داشته باشد تا برای توسعه کسب و کار خود تصمیم‌گیری کند، اما امروز مجموعه‌ای از عدم قطعیت‌های داخلی و خارجی، از وضعیت اقتصادی گرفته تا تحولات بین‌المللی، باعث شده بسیاری از تصمیم‌های سرمایه‌گذاری به تعویق بیفتد. برای بازگشت صنعت به مسیر رشد، نخست باید ثبات بیشتری در فضای اقتصادی و سیاست‌گذاری ایجاد شود. کاهش موانع داخلی، مشخص شدن مسیر توسعه صنعتی و ایجاد اطمینان برای فعالان اقتصادی، پیش شرط حرکت دوباره سرمایه‌گذاری و تولید در کشور است.



سعید تاجیک

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران

مهم‌ترین چالش امروز صنعت و معدن کشور، بیش از آنکه کمبود ظرفیت یا منابع باشد، به نبود ثبات در فضای کسب و کار و انباشت موانعی بازمی‌گردد که مسیر توسعه صنعتی را دشوار کرده است. یکی از این چالش‌ها، تعدد قوانین و مقرراتی است که از سوی دستگاه‌های مختلف ایجاد می‌شود و عملاً به مانعی در مسیر فعالیت سرمایه‌گذاران تبدیل شده است. در کنار این موضوع، نبود یک استراتژی روشن صنعتی نیز باعث شده فعالان اقتصادی چشم‌انداز مشخصی برای انتخاب مسیرهای سرمایه‌گذاری نداشته باشند. تحریم‌های خارجی نیز همچنان بر مشکلات موجود افزوده